



An Attitude Towards the Functioning of Religion in Family Management Compared to the Feminism Approach from the Perspective of the Qur'an

Razieh Hosseini¹

Ali Asghar Tajari²

Sayyid Hassan Abedian³

Received: 12/01/2021

Accepted: 10/07/2021

Abstract

The family is the most important institution in the growth and prosperity of society. Paying attention to this institution and examining its management strategies is effective in the development of individual and social personality of people and the health of society. The emergence of different thoughts such as feminism has changed attitudes in the structure and management of the family as well as the occurrence of various disorders in this institution in some societies. The current study seeks to mention the managerial functions of religion in the family according to Qur'anic verses and compare it with feminism. The finding of this study indicates that the Holy Qur'an, according to its comprehensive view, in order to regulate family affairs, has introduced moral management without domination over family members with specific powers and duties and has determined the duties of each family member. However, feminism has caused disorders in the family and society, by raising the issue of equality in the family and ignoring the talents of individuals. Considering the instructions of religion can be effective in organizing the family, the health, and management of the family and society.

Keywords

Function, religion, management, family institution, feminism.

1. PhD student, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. razeyhoseini@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Qom, Iran (Corresponding Author) a.tajari@hotmail.com.

3. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Qom, Iran. Mhabet4@yahoo.com.

* Hosseini, R., & Tajari, A. A., & Abedian, S. H. (1400 AP). An Attitude Towards the Functioning of Religion in Family Management Compared to the Feminist Approach from the Perspective of the Qur'an. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(33), pp. 179-206. DOI: 10.22081/jiss.2021.59905.1750.

نگرشی به کارکرد دین در مدیریت خانواده در مقایسه با رویکرد فمینیسم از منظر قرآن

راضیه حسینی^۱ علی اصغر تجری^۲ سیدحسین عابدیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹

چکیده

خانواده مهم‌ترین نهاد در رشد و شکوفایی افراد جامعه است. توجه به این نهاد و بررسی راهکارهای مدیریتی آن در رشد شخصیت فردی و اجتماعی افراد و سلامت جامعه مؤثر است. بروز تفکرات متفاوت مانند فمینیسم باعث تغییر نگرش در ساختار و مدیریت خانواده و بروز انواع نابسامانی‌ها در این نهاد در برخی از جوامع شده است. پژوهش حاضر سعی دارد با توجه به آیات قرآن کارکردهای مدیریتی دین در خانواده را بیان و در مقایسه با فمینیسم بررسی کند. آنچه از این پژوهش به دست آمده، بیانگر آن است که قرآن کریم با توجه به نگاه همه‌جانبه، به جهت نظم امور خانواده، مدیریت اخلاق مدار بدون سلطه بر اعضای خانواده را با اختیارات و وظایف مشخص معرفی و وظایف هریک از اعضای خانواده را بیان کرده است. در فمینیسم با طرح مسئله مساوات در خانواده و نادیده گرفتن استعدادهای افراد، باعث بروز نابسامانی‌ها در خانواده و اجتماع شده است. توجه به دستورالعمل‌های دین می‌تواند در سامان‌بخشیدن به خانواده و نحوه مدیریت آن و سلامت خانواده و جامعه مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها

کارکرد، دین، مدیریت، نهاد خانواده، فمینیسم.

۱. دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. razyyhoseini@gmail.com
 ۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران (نویسنده مسئول) a.tajari@hotmail.com
 ۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، قم، ایران. Mhaded4@yahoo.com
- * حسینی، راضیه؛ تجری، علی اصغر و عابدیان، سیدحسین. (۱۴۰۰). نگرشی به کارکرد دین در مدیریت خانواده در مقایسه با رویکرد فمینیسم از منظر قرآن. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۳۳)، صص ۱۷۹-۲۰۶.
DOI: 10.22081/jiss.2021.59905.1750

مقدمه

خانواده یکی از اولین نهادهای جوامع بشری است که به جهت نقش کلیدی و تعیین کننده در سعادت فردی و اجتماعی افراد، دارای اهمیت فراوان است. خانواده مناسب ترین جایگاه برای تأمین نیازهای مادی و معنوی اعضای خانواده است و بهترین بستر را برای تأمین امنیت و آرامش روانی و تأمین نیازهای عاطفی، رشد و پرورش استعداد اعضا، پرورش نسل جدید و آماده ساختن فرزندان برای ورود به اجتماع فراهم می کند؛ به همین جهت این واحد اجتماعی برای رسیدن به اهداف و مقاصد خود، مانند هر نهاد اجتماعی دیگری به جهت هماهنگی بین اعضا و نظم امور، نیازمند به برنامه ریزی و مدیریت صحیح است.

نظام خانواده در عصر حاضر در مواجهه با تفکرات و بروز شبهات، دچار مشکلات اساسی شده و حتی در برخی موارد، اساس و لزوم وجود آن مورد تردید قرار گرفته است. مشکلاتی از قبیل اختلاف و ناهنجاری های خانوادگی، طلاق، فرزندان تک سرپرست یا بی سرپرست، بیانگر سستی و ضعف در مدیریت خانواده ها است. حل این مشکلات در گرو بازنگری در نحوه مدیریت خانواده و برقرای روابط صحیح بین همسران و در نهایت تربیت فرزندان است.

مدیریت خانواده از مباحث چالش برانگیز در جوامع است و صاحب نظران در این خصوص نظریاتی ارائه کرده اند. در میان تمامی نظرها درباره خانواده و تقسیم وظایف و توزیع قدرت بین اعضای آن، رجوع به دین حق و الهی و دستورهای آن، می تواند راهگشای حل این مشکلات باشد؛ بر همین اساس در این مقاله کوشش شده است با طرح موضوع نگاه دین به مدیریت خانواده، در مقایسه با رویکرد فمینیستی، راهکار مورد نظر دین در رفع مشکلات مدیریتی و مسئله توزیع قدرت در خانواده، با توجه به نقش افراد در این نهاد مقدس بیان شود.

۱. تعریف اصطلاحات

۱-۱. کارکرد

کارکرد در لغت، ترجمه واژه فونکسیون (function) به معنای وظیفه است. این مفهوم در

علوم اجتماعی در زمینه‌های متعدد، معانی مختلفی دارد، در جامعه‌شناسی بیش از همه بر سه معنای کار، وظیفه و نقش تأکید شده است. اصطلاح کارکرد، به نوعی نتیجه اشاره می‌کند؛ نتیجه‌ای خواه از لحاظ نظری، قابل بیان و مورد انتظار یا غیر مورد انتظار باشد (گولد، ۱۳۷۶، ص ۶۷۹). مفهوم کارکرد را در هر معنایی که به کار ببریم، می‌تواند مثبت یا منفی باشد. زمانی که کارکرد موجب انطباق با نظام اجتماعی گردد یا نیازهای اساسی را پاسخ دهد، کارکرد مطلوب (eufunction) خوانده می‌شود. اگر در دوام و اجزا یا کل نظام اجتماعی خللی وارد کند، کارکرد منفی (dysfunction) خوانده می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۰۴)؛ همچنین کارکردهای آشکار (manifest function) آن دسته از کارکردهایی هستند که آشکارا در نظام اجتماعی ایفای نقش می‌کنند و تأیید وجود آنها نیازی به تعبیر خاصی ندارد. کارکرد پنهان (latent function) بر نتایج غیرمنتظره و غیر قابل رؤیت عادات و رسوم اجتماعی دلالت دارد (گیدنز، ۱۳۷۴، ص ۷۴۹).

کارکرد وقتی به دین نسبت داده می‌شود، مقصود معنای عام آن است که شامل خدمات، غایات و اغراض، آثار و تبعات پنهان و آشکار، مقصود و غیرمقصود دین به جامعه و نهادهای اجتماعی می‌شود که بقا و دوام و تعادل آن را در پی دارد.

۲-۱. دین

واژه دین در زبان عربی، فارسی و لاتین به معانی گوناگونی به کار رفته است. ریشه این واژه فارسی است و بعد به زبان عربی راه یافته و به معنای کیش، آیین، طریقت، شریعت، مقابل کفر و به معنای خصایص معنوی و عرفان به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۷، ص ۱۰۰۴۴). در لغت‌نامه‌های عربی دین غالباً به معنای رسم و عادت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۶۹)، تلافی و مجازات و جزا، اطاعت و فرمانبرداری و آیین و شریعت (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۷۳؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۵۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۲۳) به کار رفته است. برای اصطلاح دین به جهت تعدد منظر و دیدگاه‌ها، تعریف‌های متعددی ارائه شده است. برخی از اندیشمندان مانند دورکیم دین را از منظر جامعه‌شناختی تعریف می‌کنند. او معتقد است دین یک نظام یکپارچه از عقاید و اعمال است که به اشیای مقدس

مربوط می‌شود. این عقاید و اعمال تمام هواداران خود را در یک اجتماع اخلاقی متحد می‌سازند (موسوی فراز، ۱۳۹۵، صص ۱-۳۰). متفکران مسلمان دین را از جهت معرفتی و عقلی تعریف کرده‌اند؛ مانند: دین اصطلاحاً به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان و دستورهای عملی متناسب با این عقاید است. این عقاید درست و مطابق با واقع، به رفتارهایی توصیه می‌کنند که از ضمانت کافی برای صحت و اعتبار بر خوردار باشد (مصباح، ۱۳۸۷، ص ۱۱). دین، مکتبی است که مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات اجرایی را با هدف راهنمایی انسان برای رسیدن به سعادت دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۲۴). جامع‌ترین تعریف، تعریفی است که دربردارنده تمامی رویکردها است؛ بنابراین دین می‌تواند مجموعه‌ای مرکب از معارف، احکام و دستورهای فردی و اجتماعی که از سوی منبع الهی به واسطه پیامبران در اختیار انسان قرار داده شده و با هدف تکامل و رستگاری انسان باشد. منظور از دین در این مقاله، دین برحق و آخرین دین آسمانی، یعنی اسلام است.

۳-۱. مدیریت

مدیریت به معنای علم و هنر هماهنگ کردن تلاش‌های اعضای یک سازمان و استفاده از منابع برای رسیدن به اهدافی معین است (الوانی، ۱۳۶۷، ص ۱۹). در خصوص نحوه مدیریت، بین متفکران غیردینی، نظریات فراوانی وجود دارد. متفکران مسلمان با استفاده از منابع اسلامی و با توجه به مسئله حفظ حقوق و کرامت انسانی، مدیریت اسلامی را هنر و علم به کارگیری صحیح افراد و امکانات در جهت رسیدن به اهداف سازمانی به گونه‌ای که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد، تعریف کرده‌اند (نبوی، ۱۳۷۳، ص ۳۶). مدیریت خانواده به معنای علم و هنر هماهنگی اعضای خانواده و استفاده بهینه از منابع خانوادگی اعم از باورها، اعتقادات، سرمایه انسانی و مالی و احساس برای رسیدن به اهداف معین در دوره زمانی معین است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۳).

۴-۱. فمینیسم

فمینیسم در فارسی به معنای، زن‌گرایی، هواداری از حقوق و آزادی زنان به کار

رفته است (فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۵۵۱). در لاتین feminism از ریشه feminine به معنای زنان، زن آسا و مونث است که از زبان فرانسه و از ریشه femina گرفته شده است (مشکات، ۱۳۹۴، ص ۴۲۳). فمینیسم از نظر اصطلاحی در زبان انگلیسی دو کاربرد دارد: جنبش برابری زن و مرد و جنبش آزادی زنان. این دو کاربرد معنای نزدیک به هم دارند (مشکات، ۱۳۹۴، ص ۴۲۴). مقوله فمینیسم را هم می‌توان به‌عنوان آموزه‌ای که از حقوق برابر زنان با مردان در امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دفاع می‌کند و هم به‌عنوان یک جنبش اجتماعی سازمان‌یافته که برای به‌دست آوردن حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان شکل گرفته است، در نظر گرفت (بیسلی، ۱۳۸۵، صص ۱۵ - ۱۶).

۱-۵. خانواده

خانواده به خاندان و اهل خانه تعریف شده است (عمید، ۱۳۷۶، ص ۵۴۲). در زبان عربی، معادل خانواده کلمه «اسره» به معنای زره مستحکم است و به بستگانی گفته می‌شود که نقشی عمده در حمایت از فرد دارند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، صص ۹۴-۹۵). همچنین واژه عائله با مفهوم خانواده نزدیکی معنایی دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، صص ۴۸۳-۴۸۵). این نهاد بنیادی بنابر ساختارها و کارکردهای خود، دارای تعریف‌های گوناگونی است. برخی از دانشمندان علوم اجتماعی خانواده را گروهی اجتماعی با اقامتگاه مشترک، همکاری اقتصادی و تولیدمثل می‌دانند (بستان، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

خانواده در زمره عمومی‌ترین سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است و براساس ازدواج بین دو جنس مخالف شکل می‌گیرد و در آن مناسبات خونی واقعی یا اسنادیافته وجود دارد. خانواده واحدی است اجتماعی با ابعاد گوناگون زیستی، اقتصادی، حقوقی، روانی و جامعه‌شناختی، و از عوامل مهم مؤثر بر جامعه است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶).

۱-۶. تعریف خانواده از منظر قرآن

قرآن کریم تعریف مشخص و مستقلی در خصوص خانواده مطرح نکرده است؛ ولی با جستجو در آیات، واژگان و لغاتی را می‌توان یافت که با خانواده ارتباط دارند. دو

واژه «اهل» و «آل» به مفهوم خانواده‌اند و هر دو از یک ریشه هستند؛ آل، مغلوب لفظی «اهل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۶) و مصغر آن «اهیل» است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۲۸). اهل الرجل دراصل کسانی‌اند که با او در یک خانه زندگی می‌کنند؛ بعد به‌طور مجاز به کسانی که آنان را یک نسب جمع می‌کند، اهل بیت آن شخص گفته‌اند (قرشی بنایی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۵). واژه «آل» تصغیر «اویل» است و درباره چیزی و کسی که مخصوص انسان است و به او تعلق دارد، به کار می‌رود، یا به تعلق ذاتی یا به قرابت و خویشاوندی نزدیک یا به دوستی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۸)؛ البته فرق میان این دو واژه این است که «آل» مخصوص افراد معروف است و به همین جهت به ناشناخته‌ها و زمان‌ها و مکان‌ها اضافه نمی‌شود؛ ولی اضافه شدن «اهل» کلی و عمومی است. معنای واژه اهل با توجه به مضاف‌الیه‌هایش متفاوت می‌شود. هرگاه این واژه در قرآن به افراد نسبت داده شده باشد یا به ضمیری اضافه گردد که به آن شخص باز می‌گردد، بار معنایی خانواده خواهد داشت؛ بنابراین با در نظر داشتن کاربرد اهل در آیات قرآن، می‌توان به تعریف قرآن در خصوص خانواده نزدیک شد (بهرامی، ۱۳۸۶، صص ۴۲-۷۷). با جستجو در برخی از آیات می‌تواند این موضوع را تأیید کند.

۲. مبانی نظری تحقیق

دین خانواده را یک نهاد مقدس معرفی کرده و تشکیل این نهاد را محلی برای رشد و پرورش فرزندان و مبنایی برای زندگی اجتماعی صحیح انسان‌ها بیان کرده است. از منظر دین خانواده‌ای مطلوب است که دارای استحکام باشد و افراد خانواده اصول و روش‌های مؤثر بر پایداری خانواده را به کار گیرند. پیوند خانوادگی، احترام به والدین، توجه به تربیت فرزندان در قرآن، از جمله مباحثی است که نشان‌دهنده اهمیت خانواده در دین است. از منظر قرآن کریم جامعه انسانی از واحدهای کوچک‌تری با عنوان خانواده تشکیل شده و هر میزان که این واحدهای کوچک‌تر استحکام و انسجام داشته باشند، جامعه مستحکم‌تر خواهد بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۱، ص ۳۳۵). به همین منظور دین برای تحکیم ساختار خانواده با توجه به جنسیت افراد نقش‌هایی را با سلسله‌مراتب

معین کرده است. دین با در نظر گرفتن این سلسله مراتب و با مهار اعمال قدرت، بدون ظلم به اعضای خانواده، رعایت عدالت اصل استقلال نسبی هریک از اعضای خانواده را در نظر دارد. بر اساس آموزه‌های دین فرزندان باید از والدین خود تبعیت کنند و در همه کارها با استثنای مواردی که باعث روی آوردن به گناه می‌شود، رضایت آنان را مد نظر قرار دهند (سالاری فر، ۱۳۸۴، صص ۸۱-۹۱).

مدیریت خانواده در دین، به صورت مدیریت مردسالاری یا زنسالاری نیست؛ چراکه در سیستم مردسالاری قدرت مطلق در دست مردان است و آزادی‌ها و ارزش‌های انسانی مخدوش می‌شوند و کانون پر مهر خانواده آسیب می‌بیند. در الگوی زنسالاری به جهت نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسی و جنسیتی اختلال‌هایی به وجود می‌آید و حریم خانواده در هم می‌شکند و فرزندان با مشکلات عاطفی مواجه می‌شوند. از منظر دین مدیریت خانواده طبیعی تشکیل یافته از زن و شوهر، بر عهده شوهر است. دین با توجه به تفاوت‌های جنسی و جنسیتی و تأکید بر اصل مشورت و ارج نهادن به آزادی‌های فردی و ارزش‌های انسانی و حفظ حریم اخلاقی خانواده و مشخص کردن مسئولیت‌ها و با طرح موضوع قوامیت، موجب استحکام خانواده می‌شود. در آیه ۳۴ سوره نساء به جهت تنظیم روابط افراد خانواده و راهبری صحیح آن، به قوامیت مردان بر زنان در خانواده توصیه شده است.

از منظر دین، مدیر خانواده، به جهت اهمیت و ضرورت سرپرستی و حمایت اقتصادی و ایجاد نظم و هماهنگی که زمینه‌ساز رشد و ارتقای افراد خانواده است، دارای اختیاراتی است که سلامتی خانواده را در تمام ابعاد تضمین می‌کند. دین برای نظم‌دادن به امور خانواده، ضمن توجه به نارسایی‌هایی که در سرپرستی هریک از دو جنس ممکن است، بروز کند، بر اساس صلاحیت غالبی مرد را با اختیاراتی مشخص به سرپرستی خانواده منصوب و وظایف و حقوقی را برای او مقرر کرده است، مشروط بر اینکه حقوق اعضای خانواده و شأن ویژه زن به عنوان همسر و مادر با محوریت اخلاق و محبت در نظر گرفته شود (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۴۷۸).

۳. کارکرد دین و تبیین وظایف در خانواده

دین با توجه به ویژگی‌ها و مسؤولیت‌هایی که متناسب با مردان است، آنان را به‌عنوان مدیر خانواده معرفی و اعضای خانواده را ملزم به حفظ اقتدار مرد در خانواده کرده است. رعایت اصل سلسله‌مراتب در خانواده که متناسب با نقش‌های هریک از اعضا است، موجب بقا و استحکام خانواده، تولید نسل صالح و پایه‌گذاری جامعه توحیدی می‌شود. مرد وظیفه دارد با نگرشی منطقی و مسئولانه و رعایت مشورت‌های لازم، نهاد خانواده را مدیریت کند و از فضای عاطفی و معنوی آن مراقبت نماید و نیازمندی‌های مادی خانواده را تأمین کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۷۰). موقعیت همسری و مادری زن نیز منبع عواطف و آرامش است؛ از این روی مدیریت امور داخلی منزل و فرزندآوری به وی سپرده شده است. نقش فرزندی بیشترین خدمات را از سوی خانواده دریافت می‌کند. دین والدین را موظف بر تربیت فرزندان کرده است و فرزندان باید مطیع والدین خود باشند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲).

۳-۱. کارکرد مدیریت خانواده

آیه ۳۴ سوره نساء، مدیریت خانواده را با توجه به خصوصیات طبیعی و جنسیتی مرد به وی واگذار و مرد را موظف تأمین مایحتاج مادی خانواده کرده است. عبارت «أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» بیان عهده‌داری و وظیفه پرداخت نفقه و مهر زن از سوی مرد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۹). مرد به‌عنوان پدر عهده‌دار و وظیفه پرداخت نفقه فرزند است و باید در رفع مایحتاج مادی او بکوشد. آیه ۲۳۳ سوره بقره به نفقه فرزند در دوران شیرخوارگی اشاره کرده و حق تربیت طفل را برای مادر و مخارج آنها را بر عهده پدر قرار داده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۸)؛ البته مدیریت و قدرت مرد در خانواده مطلق نیست و با اخلاق و رعایت عدل همراه است، تا از بروز ظلم و نادیده گرفتن حق دیگر اعضای خانواده جلوگیری شود.

۳-۲. کارکرد همسری

از منظر دین، زن باید عهده‌دار و وظیفه همسری باشد. اطاعت و تواضع زن در مقابل

همسرش از وظایف زن شمرده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۸)؛ البته اطاعتی که از روی اراده و همراه با رغبت و توجه و محبت باشد، نه از روی زور و فشار (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۵۲). اطاعت‌پذیری در سایه مهرورزی، منجر به سلطه‌طلبی مرد نمی‌شود؛ چراکه دارای پشتوانه دوستی و محبت است. نتیجه این تبعیت گرایش بیشتر قلوب همسران به یکدیگر خواهد بود؛ به همین جهت وظیفه دیگر زن، حفاظت خود و ناموس و اموال شوهر و به‌طور کلی همه حقوق در غیاب همسرش است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۱). این کارکرد دین باعث ایجاد عطوفت و همراهی اعضای خانواده با هم و شکوفایی استعداد های افراد و در نهایت استحکام بنای خانواده و اجتماع می‌شود.

۳-۳. کارکرد فرزندآوری و فرزندپروری

وظیفه دیگری که دین به جهت ماهیت زن بر عهده وی نهاده، فرزندآوری و فرزندپروری است؛ چراکه پرورش فرزند نیازمند علاقه و عطوفت فراوان است. خداوند در وجود زن عواطفی نهاده که متناسب با فرزندآوری و مادری است. با توجه به آیه ۲۳۳ سوره بقره، انجام این وظیفه آن‌قدر مهم است که مادر نمی‌تواند به جهت غضب به همسرش، فرزندش را شیر ندهد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۷). از نظر دین فرزندآوری و فرزندپروری فرایند انسان‌سازی و پرورش فرزندان باایمان و گسترش دین است؛ به این جهت تولید مثل و مراقبت را در دامان پر عطوفت زن و همراهی و حمایت را بر عهده مرد قرار داده و وظایفی را برای هردو معین کرده است.

۳-۴. کارکرد مشورت در خانواده

از منظر دین هریک از زن و مرد در خانه تکالیفی متناسب با خلق و خوی خاص دارند. در برخی از مسائل که ارتباط زیادی با زن دارند و تصمیم‌گیری مرد به‌تنهایی نمی‌تواند کاملاً صحیح و بی‌عیب و نقص باشد، مشورت و تبادل نظر، بهترین راه برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. قرآن کریم نمونه‌ای از مشورت بین همسران را در نحوه از شیر گرفتن فرزند یا گرفتن دایه که با مشورت و رضایت والدین صورت می‌پذیرد،

بیان کرده است (بقره، ۲۳۳). از فواید مشورت در امور خانواده این است که افراد خود را در فکر و تصمیمی که گرفته شده سهیم می‌دانند و احساس تحمیل شدن کار را نمی‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۷۸)؛ البته بدیهی است که مشورت مطلوب و مفید با همسر در امور مربوط به خانه و خانواده یا اموری که زن در آن صاحب نظر است، به این وسیله، علاوه بر حل مشکلات، راه صحیح نیز انتخاب می‌شود و امور به بهترین صورت اداره می‌شوند.

۳-۵. کارکرد دین در تبیین مدیریت خانواده

در نگاه قرآن زن و مرد دارای خلقتی یکسان‌اند و قوامیت مردان به معنای برتری مردان بر زنان نیست. در زندگی زناشویی یکی از دو طرف باید عهده‌دار این وظیفه باشد. قوامیت در قرآن به معنای مشخص کردن جایگاه زن و شوهر در واحد اجتماعی خانواده است.

۳-۵-۱. قوامیت نسبت به همسر

در آیه ۳۴ سوره نساء، مدیریت خانواده بر عهده مرد نهاده شده و خداوند مرد را قوام بر همسرش معرفی کرده است. قوام، صیغه مبالغه و به معنای مسلط و قیم است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۸). کلمه «قیم» به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است و کلمه «قوام» و «قیام» مبالغه در همین قیام‌اند. قیم کسی است که به گونه‌ای پیگیر، به کار دیگری قیام می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۳۷). قوام اسم است برای کسی که با جدیت به کاری می‌پردازد و از او نگهداری می‌کند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، ص ۷۰).

مفسران و صاحب‌نظران در خصوص ابعاد قوامیت نظرهای متفاوتی دارند. برخی دایره قوامیت را به همه امور اجتماعی تعمیم می‌دهند و برخی دیگر آن را به نظام خانواده محدود می‌کنند.

طبرسی معتقد است قیومیت مردان بر زنان به واسطه فضیلتی است که خداوند به

برخی به سبب اینکه اموالشان را به عنوان نفقه و مهر انفاق می کنند، داده است. مردان از لحاظ علم، حسن تدبیر، رأی و تصمیم بر زنان برتری دارند و سرپرست زندگی و مسلط بر زنانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۶۹). زمخشری در تفسیر خویش معتقد بر قوامیت مطلق مردان است و اموری مانند عقل، تصمیم، قدرت و جهاد را فضیلت برای مردان شمرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۰۵). ابولفتوح رازی در ضمن بیان معنای قوام، فضیلت مردان بر زنان را از جهت عقل و یقین می داند (ابولفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۴۸). محمد رشید رضا معتقد است این تفضیل، برتری جنس مرد بر زن است نه جمیع مردان بر جمیع زنان؛ چه بسا زنی که از حیث علم و عمل و قدرت در کسب، از شوهرش قوی تر باشد (رشید رضا، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۷۰). علامه طباطبایی قوامیت را منحصر در امور همسررداری ندانسته و این حکم را در تمام امور به طور مطلق بر شمرده است. ایشان معتقد است کارهای همگانی اجتماعی نظیر حکومت، قضاوت و جنگ باید به دست مردان به جهت ممتاز بودن عقل در مقابل عواطفشان سپرده شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۴۴). آیت الله مکارم شیرازی معتقد است مردان سرپرست و خدمتگزار زنان هستند و علت آن برتری تفکر و داشتن نیروی جسمانی بیشتر در مرد است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۷۰). علامه فضل الله قوامیت را مختص حوزه مسائل زناشویی و خانوادگی دانسته و معتقد است قوامیت به ارجحیت وجودی قوام ارتباطی ندارد، بلکه صرفاً به شخصی برمی گردد که مسئولیت اداره خانواده بر عهده او است و بر این اساس تفاوت خصوصیات میان زن و مرد سبب به وجود آمدن تفاوت جنسیتی میان آنها می شود و این تفاوت ها سبب ایجاد مسئولیت و قوامیت و ولایت مرد در خانواده می شود (فضل الله، ۱۴۱۴، ص ۱۸). استاد مطهری اجتماع منزلی را بر خلاف اجتماع مدنی، طبیعی می داند و معتقد است این دو اجتماع از لحاظ حق حکومت و وظیفه اجرایی با هم متفاوت و قابل قیاس نیستند. اجتماع زن و مرد یک اجتماع طبیعی است نه قراردادی. در اجتماع طبیعی حقوق افراد و وظایف خاص آنها را خود طبیعت معین کرده است. در اجتماع خانوادگی حکومت مرد بر زن طبیعی است و آیه ۳۴ سوره نساء بیان حقیقت اجتماع طبیعی خانوادگی است؛ به همین دلیل ربطی به حکومت مردان بر زنان در اجتماع مدنی ندارد (مطهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۱۵۰).

با بررسی این نظرها می‌توان دریافت کارکرد دین در مسئله قوامیت و مدیریت مردان در خانواده به بیان نحوه و چگونگی انجام این وظیفه است. مقصود از قوامیت در آیه ۳۴ سوره نساء، در مقام برتری بخشیدن بی‌وجه مردان بر زنان نیست، بلکه قرآن از باب اهمیت مدیریت و قوام خانواده مرد را عهده‌دار مسئولیت خانواده کرده و مسئولیت و جایگاه هر یک از اعضای خانواده را مشخص نموده است. علت قوامیت و فضیلت مردان وجود برخی از استعدادها و توانایی‌هایی است که خداوند در خلقت تکوینی بشر قرار داده است که موجب بقای حیات انسانی و تداوم آن می‌شود (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۵۱). استعدادها و توان و طاقتی که مردان در اعمال سخت دارند، سبب مسئولیت اداره امور اقتصادی خانواده است. قیومت مرد بر همسرش به این معنا نیست که باعث سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است، باشد و استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش سلب کند، بلکه زن همچنان که استقلال و آزادی خود را دارد، می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ و از آن دفاع و برای رسیدن به هدف‌هایش، مقدماتی را که لازم است، فراهم کند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۳۳۶).

دین با نگاه همه‌جانبه به این نهاد و اعضای آن، رشد و سلامت خانواده و استحکام جامعه را در نظر دارد؛ به همین منظور برطرف کردن نیازهای معیشتی خانواده را با توجه به عوامل زیستی و روان‌شناختی به مردان سپرده است و از زنان خواسته شده با برعهده گرفتن وظایف همسری و ایجاد آرامش در خانواده، با همسران خود همراهی کنند تا آنان با توان بیشتری بتوانند وظایف خود را انجام دهند. وجود سرپرست در خانواده صلح و آرامش را که لازمه یک خانواده سالم است، به همراه دارد؛ چراکه با بروز هر اختلافی، زن و مرد مجبور به رجوع به مراکز دیگری نیستند و از برهم‌زدن روابط عاطفی حاکم بر اعضای خانواده و ضعف و متلاشی شدن آن جلوگیری می‌شود.

۳-۵-۲. قوامیت و ولایت بر فرزندان

یکی از کارکردهای دین در خانواده، تعیین وظایف زن و مرد در شخصیت‌سازی و

تربیت فرزندان است؛ چراکه قسمت مهمی از شخصیت افراد در خانواده شکل می‌گیرد و هنجارها و ناهنجاری‌ها از محیط خانواده و الگوی پدر و مادر به فرزندان منتقل می‌شود. از نگاه دین تربیت خانواده و حفظ آن از انحراف و وظیفه‌ای مهم شمره می‌شود (تحریم، ۶). از منظر دین فراهم کردن محیطی پاک و خالی از آلودگی در فضای خانه و خانواده از وظایف مدیر خانواده است که سنگ بنای آن در مقدمات تشکیل خانواده، فرزندآوری و فراهم کردن شرایطی سالم و مدیریت صحیح، مورد سفارش و دقت نظر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۸۶). مدیریت و ولایت پدر در کانون خانواده موجب پرورش فرزندان رشدیافته‌ای می‌گردد که به‌درستی از نقش آفرینی والدین خود آموخته‌اند که در مقابل نقش‌های خود مسئولیت‌پذیر باشند. اگر اقتدار پدری در خانواده‌ای نباشد یا تضعیف شود از نظر روان‌شناختی فرزندان متزلزل می‌شوند و در نقش‌های جنسینی خود ضعیف عمل می‌کنند.

اگر والدین از اقتدار کافی برخوردار نباشند و در تصمیم‌گیری‌های مهم به خواسته‌های فرزندان تن دهند یا اینکه هر عضوی جدا از دیگران تصمیم‌گیری کند، خانواده انسجام خود را از دست خواهد داد و مدیریت خانواده دیگر قادر به حل مشکلات نخواهند بود. در این صورت، خانواده ممکن است به جهت خواسته‌های غیرصحیح فرزندان دچار آسیب شود. کارکرد دین در رفع این مشکل، امر به فرزندان در اطاعت از والدین و پیروی و همراهی با آنان است. قرآن کریم به لزوم تبعیت از والدین - البته به صورت معروف - سفارش می‌کند. فقط زمانی که والدین بر پذیرش موضوع نادرستی که مورد تأیید دین نیست، سعی داشتند، از تبعیت فرزندان از والدین، ضمن تأکید بر احترام، نهی شده است. از نگاه دین خدمت‌رسانی و تکریم به مادر مقدم است (لقمان، ۱۴)؛ ولی در مقام ولایت و اطاعت‌پذیری پدر تقدم دارد و از اقتدار بیشتری برخوردار است و فرزند موظف است در چهارچوب شرع مطابق خواسته‌های او رفتار کند. دین به میزان مسئولیتی که بر عهده فرد نهاده اختیاراتی را هم فراهم کرده است. در نگاه دین مرد، مسئول تأمین نیازهای خانواده است و اختیار تصرف در منابع مالی خانواده را دارد. هرچند قلمرو این اختیار منابع مالی زن را دربر نمی‌گیرد، در

خصوص فرزندان جاری است و مرد مدیریت مالی آنان را بر عهده دارد (ابراهیمی پور، ۱۳۹۶، ص ۱۴۴).

فرزندان در خانواده‌ای که والدین جایگاه و وظایف مشخصی دارند، مهربانی، نیکوکاری، ایثار و مانند آن کسب می‌کنند. حفظ اقتدار پدر و جایگاه مادر در خانواده سبب ایجاد آرامش و استحکام خانواده می‌شود. توجه نکردن به جایگاه هریک از اعضا و تزلزل جایگاه پدری و تبعیت نکردن فرزندان از والدین، موجب ناهماهنگی با ارزش‌های جامعه می‌شود.

۴. کارکرد دین در راهبری عقاید و اخلاق و رفتار در خانواده

از منظر دین فضیلت‌های اخلاقی در اعضای خانواده، یکی از راهبردهای استحکام خانواده است که فقط در جامعه دینی که بنای خانواده براساس تعامل مبتنی بر محبت و رحمت شکل گرفته ظهور پیدا می‌کند. دین هنجارهای اخلاقی را ظرفیتی مهم برای استحکام همه روابط اجتماعی و از جمله مهم‌ترین آنها روابط بین همسران در خانواده می‌داند.

در نگاه دین مودت و رحمت رکن اصلی رابطه بین زن و شوهر است (روم، ۲). وجود دوستی و عشق و محبت در زندگی باعث می‌شود روابط بین افراد خانواده براساس نیکي و خوبی به یکدیگر استوار شود و افراد در برابر هم منعطف باشند. قرآن کریم واژه معروف را در مسائل مربوط به روابط خانوادگی به کار می‌برد (نساء، ۱۹). قرآن کریم به مردان دستور می‌دهد در سبک مدیریت خود در مقابل همسرانشان به طور شایسته رفتار کنند. از این آیه شریفه حسن معاشرت و داشتن اخلاق نیکو در خانواده به دست می‌آید. حتی اگر مرد به جهاتی از همسرش رضایت کامل نداشته باشد، صبر و مدارا توصیه شده است؛ زیرا ممکن است فرد در تشخیصش دچار اشتباه شده باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۲۰).

زن و شوهر باید لباس یکدیگر و پوشاننده عیب‌ها و برآورنده نیازها و کاستی‌های هم باشند (بقره، ۱۸۷). استمرار روابط مطلوب و رضایت‌بخش در خانواده از وظایف مهم

مدیر خانواده است. ملاک مطلوبیت این روابط معاشرت به معروف است.

در آیات ابتدایی سوره تحریم، سبک اخلاقی مدیریت خانواده پیامبر ﷺ را در مقابل بدرفتاری‌های برخی از همسرانشان به‌عنوان نمونه‌ای از صفت اخلاقی «مدارا» در رفتار مدیریتی مرد بیان شده است.

دیگر صفات رفتاری و اخلاقی در مدیریت خانواده، سعه صدر و عفو و گذشت در برابر خطاها، بدون رفتارهای انتقام‌جویانه است. قرآن کریم بعد از اشاره به برخی از اختلافاتی که ممکن است بین همسران یا والدین و فرزندان به وجود بیاید، با به‌کاربردن سه لفظ مختلف عفو، صفح، غفر، سلسله‌مراتب بخشش گناه را بیان می‌کند (تغابن، ۱۴). «عفو» به معنی صرف نظر کردن از مجازات، «صفح» مرتبه بالاتر، یعنی ترک هرگونه سرزنش، و «غفران» به معنای پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۰۵). اهمیت مدارا و بخشش در خانواده به این صورت است که اگر برای هر خطا یا اشتباهی همسران یکدیگر را توبیخ کنند، موجودیت خانواده تهدید خواهد شد.

یکی از نشانه‌ها و صفات مؤمنان، به‌کار بستن تمام توان خود برای تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آنان با اصول و فروع دین است و آنجایی که دستشان نرسد، در حق فرزندان دعا می‌کنند: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (فرقان، ۷۴). این آیه بیانگر اهمیت و وظیفه تربیت فرزند و راهنمایی همسر و وظیفه پدران و مادران در برابر کودکان خود است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۱۶).

قرآن کریم توجه به مسائل عقیدتی و دینی افراد خانواده را از وظایف مدیر خانواده برمی‌شمارد. آیه ۶ سوره تحریم، خطوط مدیریت و راهبری دینی مدیر خانواده را ترسیم کرده است؛ بنابراین تنها هزینه زندگی، تهیه مسکن، تغذیه و غیره وظیفه پدر و سرپرست نیست، بلکه مهم‌تر از آنها، تغذیه روح و جان اعضای خانواده و توجه به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم کردن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانواده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲۴، ص ۲۸۸).

توجه به مسائل عبادی اعضای خانواده از دیگر وظایف مدیر خانواده است؛ چراکه

طبق آیه ۱۳۲ سوره طه، مرد در مورد سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها رعایت امور مادی آنان کافی نیست.

در نگاه دین توجه به حیا و حفظ عفت خانواده از وظایف همسر به شمار می‌رود. خداوند به پیامبر به‌عنوان مسئول جامعه اسلامی دستور می‌دهد به همسرانش ضرورت حجاب و حفظ حیای فردی و اجتماعی را بیان کند (احزاب، ۵۹). توجه به مسئله حفظ حیا و حجاب و مصونیت زن از آزار بیماردلان از دیگر وظایف همسر به شمار می‌رود. از نگاه دین فضیلت‌های اخلاقی مانند عاطفه، همراهی، مودت و رحمت از ارکان اصلی مدیریت در خانواده‌اند. بدون اخلاقیات خانواده نمی‌تواند زمینه را برای رشد و شکوفایی استعدادها فراهم آورد. در رویکرد قرآنی زن و مرد هر دو باید در برابر یکدیگر اخلاقیات مورد نظر دین را رعایت کنند تا خانه را فضایی برای آرامش و آسایش خود و فرزندانشان تبدیل کنند و زمینه شکوفایی استعدادهای انسانی را فراهم آورند.

۵. کارکرد مدیریت خانواده در نگاه غیردینی (فمینیسم)

مدیریت مردان در خانواده موضوعی مورد توجه در طول تاریخ بوده است. بررسی‌های تاریخی بیانگر این است که در برخی جوامع مردان در خانواده تسلط کامل داشته‌اند. این سلطه منجر به بی‌عدالتی و ظلم‌هایی به همسر و فرزندانشان شده است. مدیریت خانواده در میان عرب‌های قبل از اسلام نمونه‌ای از این سلطه و سوء مدیریت مردان و ساختار نامناسب خانواده است. نمونه‌ای از این نوع مدیریت و ساختار نامناسب خانواده را می‌توان در قرون وسطی و جوامع غربی نیز یافت.

در پی گسترش بی‌عدالتی‌ها به حقوق و جایگاه زنان در جوامع غربی و ظهور جنبش فمینیسم تغییری در نوع نگرش به مدیریت و قدرت و نقش‌پذیری جنسیتی در خانواده پدید آمد. فمینیست‌ها در طول مدت زمان دچار تحول شدند و به گروه‌ها و دوره‌های متفاوتی تقسیم و دچار اختلاف نظر شدند؛ ولی در نوع نگرش به ساختار خانواده و هدف تغییر نقش افراد خانواده، با یکدیگر توافق دارند.

۵-۱. تبیین کارکردهای خانواده در فمینیسم

در نگاه فمینیسم خانواده ساختار ستم‌آلودی است که باید دگرگون شود. فمینیست‌ها اصل وجود سرپرست در جمع را نمی‌پذیرند و معتقدند در جمع داوطلبانه و ازدواج دو فرد، تصمیم‌گیری‌ها در خانواده نباید بر عهده یک فرد مشخص باشد؛ زیرا تمرکز قدرت در دست یک نفر باعث بروز ظلم و نادیده گرفتن دیگری خواهد شد. سیمون دوبوار نظریه پرداز فمینیسم معتقد است تاریخ بیانگر این موضوع است که همواره مردان تمام قدرت‌های واقعی را در اختیار گرفته‌اند. مردان برای حفظ پدرسالاری زنان را در نوعی وابستگی نگه داشته‌اند و همه قوانین، بر ضد زنان وضع شده است (دوبوار، ۱۳۸۰، ص ۲۳۷). این نگرش سبب شد تا جنبش‌هایی را برای برپایی عدالت جنسیتی ایجاد کنند که نتایج آن به نفی ارزش‌های مادرانه و نقش‌پذیری‌های همسرانه منتهی شد. این موضوع سبب برهم‌زدن استحکام خانواده و حتی تردیدهایی در مورد تشکیل نهاد خانواده و عدم گرایش به فرزندآوری شد؛ از این روی تغییر در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده از اهداف بیشتر فمینیست‌ها به شمار می‌رود. به عقیده اینان ازدواج و مادری باعث تضعیف زنان و در بند کشیدن آنها می‌شود.

فمینیست‌ها نقش‌های جنسیتی در خانواده را که بر اساس جنس زیست‌شناختی به مردان و زنان داده می‌شود، از علل اصلی نابرابری جنسی در سطح خانواده و جامعه می‌دانند. این نگرش نقش‌های جنسیتی را به صورت عادات و رسوم فرهنگی و دینی، قبیله‌ای و تمدنی جوامع بشری می‌داند که منجر به ستم و تبعیض علیه زنان شده است. آنان معتقدند مطالعات انسان‌شناختی دهه‌های قبل بیانگر آن است که در همه جوامع واکنش به تفاوت زیست‌شناختی میان مردان و زنان وجود دارد که به تقسیم‌بندی دوجهبی میان دو جنس شکل می‌دهد؛ اما چگونگی تصور و برداشت یا معنای زن‌بودن و مردبودن در جوامع گوناگون متفاوت است. از نظر آنان این مسئله نشان می‌دهد تمایزهای جنسیتی امری طبیعی نیست، بلکه ساخته و پرداخته جامعه و فرهنگ است (مشیرزاده، ۱۳۸۵، صص ۳۱۲-۳۱۳).

۵-۱-۱. کارکرد همسری

هرچند در مورد خانواده در موج‌های فمینیستی نظرهای متفاوتی وجود دارد، از موج دوم نگاه بیشتر فمینیست‌ها به خانواده و نقش اعضای آن انتقادی بوده و نقش همسری را عامل فرودستی زنان دانسته‌اند. از آنجایی که بیشتر آنان به یکسانی زن و مرد معتقدند، تئوری‌هایی را مبنی بر انکار تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان ارائه کرده، معتقدند نقش‌های جنسیتی از شکوفایی استعدادها و توانایی‌های افراد جلوگیری می‌کنند؛ به همین علت الگوهای ارزشی بین زن و مرد باید متحول شوند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹)؛ به طور مثال مارلین دیکسون یکی از نظریه‌پردازان فمینیسم رادیکال، ازدواج و همسری را اصلی‌ترین وسیله برای جاودانگی ظلم به زنان دانسته و معتقد است زن در نقش همسری، زانی را خواهد آفرید که مانند خود در طول تاریخ اسیر ظلم باشند (فرهمند، ۱۳۸۵، ص ۹۷).

۵-۱-۲. کارکرد فرزندآوری و فرزندپروری

هرچند این کارکرد همواره مورد توجه فمینیست‌ها بوده، ولی دیدگاه‌های آنان در این باره متفاوت است. در نگاه برخی از فمینیست‌ها صرف فرزندآوری و مادری کردن، پروژه ستم‌آلودی است که هدفش سرکوبی زنان است. اینان عقیده دارند مادری و تولید مثل باید از دوش زنان برداشته شود. این گروه کلید آزادی و راه‌هایی زنان از این بار ظالمانه را استفاده از فناوری جدید می‌دانند (فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰). سیمون دوبوار تولید مثل را بردگی خوانده و فناوری جدید را راهی برای رهایی زنان از این بردگی دانسته است (دوبوار، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷). جولیت میچل از نظریه‌پردازان فمینیسم سوسیال عقیده دارد که زنان در سه ساختار تولید مثل و پرورش کودکان برای زندگی در اجتماع و بروز جنسیت خویش مورد ستم هستند و تا زمانی که این موارد دگرگون نشود، پدرسالاری از میان نخواهد رفت (ویلفورد، ۱۳۸۵، ص ۳۷۷). از نظر اینان برچیده شدن نقش مادری در شکل کنونی‌اش، عامل مهمی در تغییر جامعه به سمت برابری و بازتولید اجتماعی است. گروه دیگر معتقدند فرزندآوری و مادری با ارزش‌ترین خصلت زنان

است و باید با آن فعالانه برخورد کرد و شادی فرزندآوری را احیا کرد. مردان به علت طبیعت پرخاشگری خود سعی در کنترل و تسلط بر زنان دارند. مارلین فرنچ فناوری جدید تولید را به ضرر زنان و وسیله‌ای برای منسوخ کردن زنان دانسته است (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). دیدگاه اول با بی‌توجهی به نظام حکیمانه خلقت و تفاوت در استعدادها و وظایف متناسب با توان زن و مرد، با نفی وظیفه فرزندآوری و مادری زنان موجب فروپاشی ساختار خانواده و محیطی امن برای پرورش فرزندان می‌شود. در دیدگاه دوم هرچند به وظیفه فرزندآوری توجه می‌کند، به دلیل تفکر اومانیستی و عدم توجه به جایگاه صحیح و مناسب با استعدادهای زن و مرد، این دو را در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد و موجب کاهش آرامش و فروپاشی نهاد خانواده می‌شود.

۵-۱-۳. کارکرد مدیریت

از آنجایی که همواره فمینیست‌ها به دنبال برابری زن و مرد بوده‌اند، به نقش‌های جنسیتی در خانواده انتقاد وارد کرده‌اند و آن را یکی از علل اصلی نابرابری در سطح جامعه و خانواده دانسته‌اند. به اعتقاد بیشتر فمینیست‌ها پدرسالاری علت فرودستی زنان است. آدرین ریچ از صاحب‌نظران فمینیسم رادیکال بر این باور است که مردان با استفاده زور و فشار مستقیم یا با به کارگیری قانون و زبان و آداب و سنن تعیین می‌کنند زنان چه نقشی را می‌توانند یا نمی‌توانند ایفا کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۲۷۷)؛ البته فمینیست‌ها راه‌حل‌هایی را برای رهایی از این موضوع دارند. برخی راه را در فرار از درونی کردن جنسیت و برخی بی‌اثر کردن نقش خانواده و یکسان‌سازی نقش‌های جنسیتی در خانواده می‌دانند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳، صص ۱۶۱-۱۶۲). فمینیست‌ها معتقدند قدرت در خانواده نباید در دست مردان متمرکز باشد و باید بین اعضای خانواده توزیع شود. آنها معتقدند تصمیم‌گیری درباره امور مهم خانه نباید بر عهده فرد مشخص باشد؛ زیرا زمینه را برای ظلم و نادیده گرفتن حقوق اعضای خانواده فراهم می‌کند. جان استوار میل معتقد است تصمیم‌گیری درباره مسائل مختلف در خانواده بر عهده طرفی خواهد بود که صلاحیت بیشتری داشته باشد و ربطی به اقتدار قانونی ندارد (میل، ۱۳۷۹، ص ۶۱).

ساختار خانواده در نظام غیردینی با حذف اقتدار پدر و مدیریت و نظارت مرد بر اعضای خانواده، با مشکل مواجهه گردید. مساوات طلبی و توزیع قدرت در اعضای خانواده و تمکین نکردن زنان، موجب افزایش تنش و نابسامانی‌هایی در خانواده شد؛ چراکه فقدان مدیریت مردانه و پدری پیامدهای سنگینی را بر نظام خانواده دارد.

۶. مقایسه دو دیدگاه اسلام و فمینیسم

در نگاه فمینیستی، یکی از علل نابرابری‌ها در خانواده وجود نقش‌های جنسیتی است. فمینیست‌ها معتقدند جنسیت دست‌پرورده اجتماع است و نقش‌های جنسیتی از شکوفایی استعدادها و خواسته‌های افراد جلوگیری می‌کنند. اسلام در نظام ارزشی خود برخلاف فمینیسم، نقش‌های جنسیتی را به طور مطلق رد نمی‌کند، بلکه در مواردی با ملاحظه تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد، بازتاب‌های اجتماعی این تفاوت‌ها را تأیید می‌کند. دین نقش‌های جنسیتی را امری نامطلوب نمی‌داند، مگر آنکه منجر به تبعیض و ستم بر دیگری شود. در نگرش و حیانی، کارکرد بنیادین خانواده براساس گرایش‌های طبیعی و فطری زن و مرد است. وظایف و تکالیف جنسیتی براساس تناسب و اصل عدالت مشخص شده است. در بینش دینی زن و مرد هر کدام برای انجام مأموریتی آفریده شده‌اند و هر کدام باید با روش و برنامه‌ای معین روابط خود را در جامعه کوچک خانواده تنظیم کنند تا نظام اجتماعی انسان‌ها به تعادل برسد (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۳).

امروزه در سطح جهانی با فرهنگ‌های متفاوت مسئله وجود سرپرست در جمع پذیرفته شده است. خانواده در مقام یک واحد کوچک اجتماعی، مانند هر اجتماع دیگری به سرپرست نیاز دارد. از آنجا که اسلام خانواده را پایه اجتماع می‌داند، توجه فراوانی به پی‌ریزی بنیادین خانواده دارد. تا به این وسیله سلامت جامعه تضمین شود. در نگاه فمینیسم سرپرستی مرد و اقتدار وی در خانواده زمینه‌ساز ستم بر زنان و ایجاد سوءاستفاده مردان می‌شود. فمینیست‌ها با نادیده گرفتن تفاوت‌های جنسیتی بین زن و مرد، نقش‌های جنسیتی در خانواده و تعیین سرپرست در خانواده را نمی‌پذیرند. نبود سرپرست و مرجع در خانواده سبب بی‌نظمی و ازهم گسیختگی نهاد خانواده می‌شود.

کارکرد ویژه دین در سامان‌بخشیدن به نظام خانواده طرح موضوع قوامیت است. همان‌طور که بیان شد دین در عین توجه به رابطه عاطفی میان اعضای خانواده و الزام آن بر رفتارهای خانوادگی، مسئله حقوقی و اصلی سرپرست خانواده را مطرح می‌نماید؛ البته سرپرستی مرد به صورت مطلق و بدون قید و شرط نیست. از منظر دین سرپرستی مرد بر زن و خانواده، معیار فضیلت و برتری مرد بر زن نیست، بلکه فقط وظیفه است. قوام‌بودن مرد به این معنا است که مرد سرپرست و اجراکننده مصالح خانوادگی است. مدیریت مرد فخر معنوی نیست، بلکه مسئولیتی اجرایی و تقسیم کار است (جوادی آملی، ۱۳۷۶، ص ۳۲۶)؛ بنابراین مدیریت خانواده در دین با وجود در نظر گرفتن شاخصه‌های طبیعی زن و مرد است و تکالیفی که بر عهده آنان نهاده شده با محوریت اخلاق و عادلانه است. با رعایت سلسله‌مراتب مدیریتی مورد نظر اسلام و حفظ اقتدار شوهری و پدری، نظام خانواده سامان می‌یابد و بر بنای درستی شکل می‌گیرد. در این اجتماع سامان‌یافته کوچک، فرزندان بر محوریت اخلاق و نظم توحیدی پرورش می‌یابند و اجتماع بر پایه روابط اجتماعی صحیح بنا می‌شود.

نتیجه‌گیری

خانواده از منظر دین، نهادی مقدس و محلی برای رشد و پرورش فرزندان و مبنایی برای زندگی اجتماعی انسان‌ها است. دین خانواده را بنیادی‌ترین واحد اجتماع که متضمن رشد و بقا و سلامت جامعه است، می‌داند و از این منظر به آن توجه دارد. این واحد کوچک اجتماعی نیازمند الگوی مدیریتی صحیح است؛ مدیریتی که ضمن اهمیت دادن به حقوق و کرامت انسانی و اهداف انسانی، دارای ثبات و اقتدار باشد. دین با توجه به خلقت حکیمانه زن و مرد و به جهت حفظ نسل انسانی به طور فطری استعدادهایی را در نهاد زن و مرد قرار داده و با توجه به تفاوت‌های جنسیتی میان آنها وظایفی همچون فرزندآوری و فرزندپروری، همسری و مدیریت را تبیین و تعیین کرده است. دین اسلام با بیان تساوی مرد و زن در خلقت، مسئله قوامیت مرد بر اعضای خانواده را مطرح کرده و وی را مدیر خانواده معرفی کرده است. در نگاه فمینیسم نقش‌های جنسیتی میان زن و

مرد از علل نابرابری جنسی میان زن و مرد هستند؛ به همین علت فمینیست‌ها مدیریت مرد را در خانواده نمی‌پذیرند و معتقدند قدرت باید بین اعضای خانواده توزیع شود. فمینیست‌ها معتقدند نقش‌های جنسیتی از شکوفایی استعداد‌های افراد جلوگیری می‌کنند؛ از این رو منکر وظایف همسری و مادری می‌شوند و وظیفه فرزندآوری و مادری را ظالمانه می‌دانند. آنچه از بیان کارکردهای دین اسلام و فمینیسم در مدیریت خانواده و مقایسه این دو برمی‌آید، برخلاف نظر فمینیسم، کارکرد دین در تعیین نقش‌ها در خانواده ظالمانه نیست. دین در جهت سامان‌بخشیدن به نظام خانواده و بقای آن و سلامت اجتماع، وظایف افراد را در خانواده مشخص کرده و مدیریت مرد را اخلاق‌مدار و همراه با صفات صبر و عفو، گذشت و... بیان کرده است؛ چراکه وجود این صفات و وظایف زن و مرد باعث می‌شود خانواده محلی امن همراه با آرامش و آسایش و زمینه‌ای برای رشد و شکوفایی استعداد‌های افراد خانواده باشد. توجه به این الگوی مدیریتی خانواده می‌تواند پاسخگوی شبهات و نیازهای خانواده‌ها در عصر جدید به‌خصوص در برابر بروز تفکرات فمینیستی و رسوخ آنها در نوع رفتار افراد در خانواده و جامعه باشد.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابراهیمی پور، قاسم. (۱۳۹۶). راهبردهای تحکیم خانواده از منظر متون دینی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۲. ابن منظور، محمد ابن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (چاپ سوم). بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد: آستان قدس رضوی.
۴. الوانی، مهدی. (۱۳۶۷). مدیریت عمومی. تهران: نشر.
۵. ساروخانی، باقر. (۱۳۸۰). درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
۶. بستان، حسین. (۱۳۸۸). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. بهرامی، محمد. (۱۳۸۶). درآمدی بر جامعه‌شناسی خانواده در قرآن. پژوهش‌های قرآنی. ۱۲(۴۸)، صص ۴۲-۷۷.
۸. بیسلی، کریس. (۱۳۸۵). جیستی فمینیسم (مترجم: محمدرضا زمردی). تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۹. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). زن در آینه جمال و جلال. قم: نشر اسراء.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۰). انتظار بشر از دین. قم: نشر اسراء.
۱۱. چراغی کوتیانی، اسماعیل. (۱۳۹۳). خانواده. اسلام و فمینیسم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۲. دویوار، سیمون. (۱۳۸۰). جنس دوم (مترجم: قاسم صنعوی). تهران: توس.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳). دایرة المعارف (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). دمشق: دارالقلم؛ بیروت: الدارالشامیه.
۱۵. رشیدرضا، محمد. (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم. بیروت: دارالمعرفه.
۱۶. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. (چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العربی.
۱۷. زیبایی نژاد، محمدرضا؛ سبحانی، محمدتقی. (۱۳۸۱). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۸. سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۴). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. (چاپ دوم). بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
۲۱. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (چاپ سوم). تهران: مرتضوی.
۲۲. عمید، حسن. (۱۳۷۶). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۳. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). تفسیر الکبیر. دارالاحیاء التراث العربی.
۲۴. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
۲۵. فرهنگد، مریم. (۱۳۸۵). واگردهای فمینیستی در ازدواج. کتاب زنان. شماره ۳۱، برگرفته از: <https://b2n.ir/m95179> پرتال جامع علوم انسانی.
۲۶. فریدمن، جین. (۱۳۸۱). فمینیسم (مترجم: فیروزه مهاجر). تهران: آشیان.
۲۷. فضل‌الله، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۴ق). تأملات اسلامیة حول المراه. بیروت: دارالفکر.
۲۸. قرشی بنایی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ضلال. بیروت: دارالشرق.
۳۰. گولد، جولیسوس. (۱۳۷۶). فرهنگ علوم اجتماعی (مترجم: گروهی). تهران: انتشارات مازیار.

۳۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی (مترجم: منوچهر صبوری). تهران: انتشارات نی.
۳۲. محمدی، رضا. (۱۳۸۸). مدیریت خانواده در اسلام. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۷۷ و ۷۸، صص ۱۷۹-۲۰۸.
۳۳. مشکات، عبد الرسول. (۱۳۹۴). فرهنگ واژه‌ها. مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. تهران: سمت.
۳۴. مشیرزاده، حمیرا. (۱۳۸۵). از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن. (ج ۳، چاپ اول). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳۶. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). آموزش عقاید. (چاپ سی و ششم). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۴). مجموعه آثار. نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: صدرا.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه (ج ۳، ۱۵، ۲۱ و ۲۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۹. موسوی فراز، سیدرضا. (۱۳۹۵). دسته‌بندی و بررسی تعریف‌های دین ادیان. معرفت، ۲۵(۲۲۵)، ص ۱۳.
۴۰. میل، جان استوارت. (۱۳۷۹). انقیاد زنان (مترجم: علاءالدین طباطبایی). تهران: هرمس.
۴۱. نبوی، محمدحسن. (۱۳۷۳). مدیریت اسلامی. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴۲. ویلفورد، ریک؛ اکلسال، رابرت؛ گی، ریچارد؛ گیگن، وینسنت، مکنزی، ای ین و کنی، مایکل. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی فمینیسم (مترجم: محمدقائد شرفی، چاپ دوم). تهران: نشر مرکز.

References

* Holy Quran.

1. Abolfotuh Razi, H. (1408 AH). *Rawd Al-Jannan and Ruh Al-Jannan in Tafsir Al-Quran*. Mashhad: Astan Quds Razavi. [In Arabic]
2. al-Farahidi, Kh. (1409 AH). *Kitab al-'Ayn*. Qom: Hijrat. [In Arabic]
3. al-Raghib Al-Isfahani. (1412 AH). *Al-Mufradat*. Damascus: Dar al-Qalam. [In Arabic]
4. Alwani, M. (1367 AP). *Public Management*. Tehran: Publishing. [In Persian]
5. al-Zamakhshari. (1407 AH). *Al-Kashshaaf* (3rd ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
6. Amid, H. (1376 AP). *Amid dictionary*. Tehran: Amirkabir. [In Persian]
7. Bahrami, M. (1386 AP). An Introduction to the Sociology of the Family in the Qur'an. *Quranic researches*, 12(48), pp. 42-77. [In Persian]
8. Baqir, S. (1380 AP). *An Introduction to the Social Science Encyclopedia*. Tehran: Kayhan. [In Persian]
9. Beasley, Ch. (1385 AP). *What is feminism?* Tehran: Roshangaran. [In Persian]
10. Beauvoir, S. (1380 AP). *The second sex* (Q. San'avi, Trans.). Tehran: Toos. [In Persian]
11. Bostan, H. (1388 AP). *Islam and the Sociology of the Family*. Qom: Research Institute of Hawzah and University. [In Persian]
12. Cheraghi Koutyani, I. (1393 AP). *Family, Islam and feminism*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
13. Dekhoda, A. A. (1373 AP). *Encyclopedia*. Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
14. Ebrahimipour, Q. (1396 AP). *Strategies for strengthening the family from the perspective of religious texts*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
15. Eccleshall, R., Kenny, M., & Geoghegan, V. (1385 AP). *Political ideologies: an introduction* (M. Ghaed Sharafi, Trans. 2nd ed.). Tehran: Nashr-e Markaz. [In Persian]

16. Fadl Allah, S. M. H. (1414 AH). *Ta'ammulat al-islamiya hawl al-mir'a*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
17. Fakhr al-Din al-Razi. (1420 AH). *Tafsir al-Razi*. Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
18. Fakhr al-Din al-Turayhi. (1375 AP). *Majma-ul-Bahrain* (3rd ed.). Tehran: Mortazavi. [In Arabic]
19. Farahmand, M. (1385 AP). *Feminist Reversals in Marriage*. Women's book, (31). Retrieved from: Comprehensive portal of humanities: <https://b2n.ir/m95179>. [In Persian]
20. Freedman, J. (1381 AP). *Feminism* (F. Mohajer, Trans.). Tehran: Ashian. [In Persian]
21. Giddens, A. (1374 AP). *Sociology* (M. Sabouri, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
22. Gould, J., & Kolb, W. L. (1376 AP). *A dictionary of the social sciences* (B. Parham, Trans.). Tehran: Maziar. [In Persian]
23. Ibn Manzur. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (3rd ed.). Beirut: Dar Al-Fikr. [In Arabic]
24. Javadi Amoli, A. (1376 AP). *Woman in the mirror of beauty and glory*. Qom: Esra. [In Persian]
25. Javadi Amoli, A. (1380 AP). *Human expectations of religion*. Qom: Esra. [In Persian]
26. Makarem Shirazi, N. (1371). *Tafsir Nemooneh* (vol. 3, 15, 21, 24). Tehran: Islamic Library. [In Persian]
27. Mesbah Yazdi, M. T. (1378 AP). *Ethics in the Quran* (Vol. 3). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
28. Mesbah Yazdi, M. T. (1387 AP). *Amuzish 'aqa'id* (36th ed.). Tehran: Islamic Development Organization.
29. Mill, J. S. (1379 AP). *On liberty with the subjection of woman* ('A. Tabatabaei, Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]
30. Mishkat, A. R. (1394 AP). *Dictionary of words*. Tehran: Samt. [In Persian]

31. Mohammadi, R. (1388 AP). Family management in Islam. *Islamic Social Studies*, (77 & 78), pp. 179-208. [In Persian]
32. Motahhari, M. (1384 AP). *Collection of Works* (Women's legal system in Islam). Tehran: Sadra. [In Persian]
33. Mousavi Faraz, S. R. (1395 AP). Classification and study of definitions of religions. *Ma'rifat*, 25(225), p.13. [In Persian]
34. Mushirzadeh, H. (1385 AP). *From Movement to Social Theory: The History of Two Centuries of Feminism*. Tehran: Shirazeh. [In Persian]
35. Nabavi, M. H. (1373 AP). *Islamic Management*. Qom: Islamic Development Office of Qom Seminary. [In Persian]
36. Qarashi Banaei, A. A. (1371 AP). *Qamus-e Qur'an*. Tehran: Islamic Library. [In Persian]
37. Rashid Reza, M. (1414 AH). *Tafsir al-Quran al-Hakim*. Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
38. Salarifar, M. R. (1384 AP). *Family in the view of Islam and psychology*. Tehran: Samt. [In Persian]
39. Sayyid Qutb. (1425 AH). *In the Shade of the Qur'an*. Beirut: Dar Al-Sharq. [In Arabic]
40. Shaykh Tabarsi. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi-Tafsir al-Qur'an* (3rd ed.). Tehran: Naser Khosrow. [In Arabic]
41. Tabatabaei, S. M. H. (1390 AP). *al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (2nd ed.). Beirut: al-A'alami. [In Arabic]
42. Zibaeinejad, M. R., & Sobhani., M. T. (1381 AP). *An Introduction to the System of Female Personality in Islam*. Qom: Office of Women's Studies and Research. [In Persian]